



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۲/۱۱

رفعت حسینی

بررسی مقدمه و اصف باختری بر «عیاری از خراسان»

به پنداشت من، مقدمه نگاری و اصف باختری بر کتاب ارتجاعی خلیل الله خلیلی، برای ستایش نابجای حبیب الله مشهور به بچه سقو، نابگردانه و ناآگاهانه بوده است. متن این مقدمه، همانند نگارش خودکتاب، نه تنها عقلانی و مدنی نیست بل بیگانه با فرهنگ و ادبیات سیاسی - اجتماعی بشمار می رود.

واصف در حدود چهل و دو سال پیش بحیث یک کمونیست بشیوه چین (شعله یی) و به صفت یک شاعر تند مزاج چپ گرا شناخته شده بود و این مقدمه برای برخی ها که بر ته و بالا وزیر و بم چپگرایی روسی/چینی افغانستان و قوف دارند، خیلی گران و ناپذیرفتنی آمده است. پرسش این است:

چی گونه یک مارکسیست و چپی، با اصطلاح آشنا با اندیشه های مترقی و مدنی، بر شاهراه [ارتجاع] گام میگذارد؟

واصف این مقدمه را بر کتابی در ثنای شخصیت بزرگترین چپاولگر در تمامی تاریخ سرزمین افغانستان، بچه سقو، آنهم در سال ۱۳۷۰ خورشیدی در کابل نگاشته است.

بچه سقو در تضاد کامل با افکار مدنی + انسانی امان الله پادشاه افغانستان بود. اگر این نکته حقیقی، برای و اصف و سخی غیرت و همفکران تاجیک آنان ارجی ندارد، برای آگهان و خردمندان افغانستان بیش بهاست.

دلیل نبشتن این مقدمه بخامه باختری، همراهی با تبار تاجیکان و پارسی زبانان افغانستان بود. و اصف از نواحی بلخ می باشد.

انتشار کتاب <عیاری از خراسان> از سوی تاجیکان، با پشتکار غلام سخی غیرت (هراتی + شعله یی)، به جریانات داخلی حزب خلق (نجیب و مخالفانش) وابستگی تمام دارد.

پشتونیزم و تاجیکیزم و ازبکیزم و هزاره گری، حکمفرما بر پندارها و کردار های آن زمان افغانستان بودند.

واصف در مقدمه گونه اش { لفاظی چیره زبان و خامه زنی چیره دست } است. مثل شعرش درین متن فقط لفاظی می کند. مگر بین شعر خیالی و متنی که انسان فهمیده بر تاریخ حقیقی و آدم های واقعی در تاریخ می نویسد، تفاوت بسیار است. و نویسنده دانا برین معاییر، استوار می باید. عنوان مقدمه و اصف <درنگی در کنار شط تاریخ > است.

من نمیخواهم متنی ادیبانه+شاعرانه در مورد تاریخ واقعی سرزمینم بخوانم. آنچه بچه سقو سرنوشت و روزگار آینده انسان های میهن مرا نابود و تبه ساخت ، باید به شیوه غیرشاعرانه نگارش یابد.

معنای شط رود یا نهراست و شط واژه بی عربیست . چی گونه و اصف با آن حافظه اش، این را فراموش کرده است. چرا بجای شط، کلمه بی اصیل پارسی را ننوشته است. و اصف سالها عربی نگاری بوسیله پارسی زبانان را خیانت می شمرد و دقایقی بی شمار درباره اش سخنرانی می نمود.

در جایی دیگر باختری می نگارد:

... « این فرهیخته پیر، خواجه ابوالفضل محمد بیهقی تاریخ نویس بزرگ است که خداوند به حرمت <ن والقلم > روان او را شاد گرداند... و ای کاش همه تاریخ نگاران راه برگزیده او را برمی گزیدند» ...

واصف آنچه را بچه سقو مرتجع بهمراهی روحانیون استبدادگرای مرتجع، در برابر نهضت مدنی + انسانی امانی انجام داد، با چال و فریب و تقلبی شبیه مذهبیان {خیزش حبیب الله کلکانی} می خواند.

و نیز با جفا بر تاریخ، باختری تاکید می کند که اگر بچه سقود پیشینهء راهزنی داشت هیچ پروا ندارد. اوایل زندگی نادر افشار و الپتگین و تیمور و یعقوب لیث نیز پاکیزه نبوده است.

و هم {استاذ سخن!} و اصف باختری، با خیانت نمودن بر حقیقت گرای، متذکر می گردد که من همیشه از خود و دیگران پرسیده ام که آن گناه حبیب الله چی خواهد بود که ملامت و شماتت شود؟ متن مقدمه را در پایین مرور نمایید.

درنگی در کنار شط تاریخ

چندین سده پیش مردی ، بزرگمردی که بازمانده دفتر
های تاریخش، نه مرد در یک مرده شویان و گنج بلا آورده
میراثخواران آزمند مفتخوار که میراث عظیم آن بنای امجد
فرهنگی ما و گنجینه انباشته از گهران بیش بهای ملت
ماست، نبشته بود :

((در تاریخی که می‌کنم ، سخنی رانم که آن نه تعصبی
و تریبی کشد و خواننده گان این تصنیف گویند : شرم
باد این پیر را ! بلکه آن گویم که تاخواننده گان بامن انس
این موافقت کنند و طعنی نزنند.))

این فرهیخته پیر ، خواجه ابو الفضل محمد حسین
بیہقی ، تاریخ نویس بزرگ دوران غزنویانست که خداوند
قلم به حرمت ((ن والقلم)) روان اوراشادداراد! وای کاش

یادک

عنه تاریخ پسران...
میشوند آنچه نوسن و انشا...
ایشن این را بر اورنگ پاکیزه جبریل...
نویسند و جبریل این را به سبای سلطان...
نویسند...
...
تاریخ معاصر ما به گفتمانای طوس...
یکی با سبایست پسر اب چشم...
گویا بوده اند و هسته به اصلاح پرو...
مختلفی که در آستانه بعد، امرین...
که جز به شط تاریخ و وارونه جلوه دادن...
بهرتازند.

گفته از رخ کردن صفت تاریخ، با گونه...
از مینوخ ماخن رویداد های تاریخی نیز بر...
زبان آن کمتر از نوعنشین است و آن...
عالمی از آسارینتوسان میخواند و عهد...
و ایستادن طغیت و اندیشه ویژه خود...
همگان در بررسی حاشیه خاصی از تاریخ...
همسان

کوه پیکرش دیده معلومند که در جوانی...
برای مشاهده کرده است ، و گویا...
نیشده ، کسی در کسی زاده...
از آن گسارین (رد) و او به...
و اما در باره کتابی که در دست...
مشغول و از روشنگری بزرگ بود که ما و...
مطلب الله خلی که در روزگار فراتر...
از حال دیوانی وی (موسوی بلخ) و طرف...
نویسده است ، در باره پدر و پدمن...
و چگونه می بر سرین قدرت تکه...
تاریخی ، این تالی روایتی...
آگاهیهایی در دسترس خواننده...
مکلفند ، با تری دانشین و...
سوال از این دیدگاه که که این...
حریرین داستان تاریخی...
باینشده است تاریخ نویس حرفین...
به شیوه بیسان...
میرساند و به یاد سخن، به هر سطح...
این مشهور بلورین که

استعمار ، سهاکت...
سلطنتی، روزمده...
از راه دست چند...
دیگر...
وای سوگندانه تاکنون کمتر مورخی...
است که سبای این...
که بود است ، ترسیم کند...
جامعه ای که خیزش...
پرورد، میرزا...
حیث الله...
فرزندان این مرد...
حسین...
دهبران و فراداران...
نداریم...
به...
فان حادنه...
دوست مثل...
حقیقت